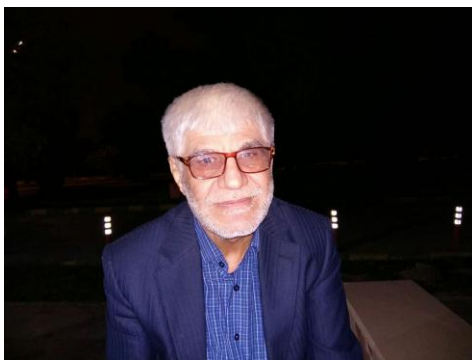


به نام خدا



مهندس محمدتقی دهدشتی شفیعی

مربی آموزشیار بازنشسته دانشکده کشاورزی

محمد تقی دهدشتی سال ۱۳۳۲ در شهر رامهرمز در خانواده‌ای نسبتاً متمکن و دارا، به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی تا سیکل اول را در همان شهر به پایان رساند سپس در ماهشهر و در دبیرستان شاپور اهواز به ادامه تحصیل پرداخت و به سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ دیپلم با رتبه بسیار خوب می شود.

مهندس دهدشتی همواره از آقای جواد ضیایی آموزگار مقطع دبستان خود که وی را به شعر و شاعری و نویسندگی علاقمند نمود و در شخصیت او تاثیر بسزایی داشته است، به نیکی یاد می کند. کتابخانه شخصی این آموزگار، امکان مناسبی را برای مهندس دهدشتی فراهم آورد تا در دوره نوجوانی با دیوان های شاعران بزرگ ایرانی آشنا شود.

افزون به علاقمندی به شعر و شاعری، استمرار مطالعات مذهبی و قرآنی و ارتباط با محافل علمی، مذهبی و سیاسی، وی را در برهه‌ای حتا دلبسته به فراگیری علوم دینی و حوزوی می گرداند ولی به دلیل در اختیار نداشتن امکانات کافی، از این آرزو بازمی ماند.

او خدمت نظام وظیفه را در سال های ۵۱ تا ۵۳ در منطقه مرزی خوزستان می گذراند.

ایشان پس از پایان دوره نظام وظیفه، ضمن آنکه شرایط استخدام در چندین اداره از جمله شرکت نفت را حائز بود، در سال ۱۳۵۴ با نمره و رتبه خوبی در کنکور سراسری دانشگاه ها پذیرفته و تحصیل در رشته کشاورزی دانشگاه جندی شاپور را به دلیل علاقه به این رشته به دیگر رشته ها از جمله پزشکی، ترجیح می دهد.

مهندس دهدشتی، همزمان با تحصیل در گروه خاکشناسی، با مدرک دیپلم به استخدام دانشگاه جندی شاپور در می آید و کار خود را در دفتر آمار که در آن زمان زیر مجموعه معاونت پژوهشی و در گروه گیاهپزشکی مستقر بود، آغاز و بنای چنین دفتری را با طراحی فرم و پرسشنامه ثبت عملکرد واحدهای دانشگاه پای ریزی می کند.

سال ۱۳۵۵، این کارمند جوان به اداره طرح و برنامه که در ساختمان مرکزی دانشگاه یعنی ساختمان سه گوش، مستقر بود، منتقل می شود.

در دفتر بودجه، طرح و برنامه، در این برهه، تشکیلات سازمانی پردیس دانشگاه و دانشکده های اقماری آن در شهرهای خرمشهر، دزفول و بهبهان طراحی می شود.

با توجه به اهمیت گردآوری مدارک و اسناد پیشینه دانشگاه، در همین سال طرح راه اندازی مرکز اسناد در محل کنونی خبرگزاری ایسنا خوزستان (در آنسوی پل پنجم اهواز)، در دستور کار دانشگاه قرار می گیرد و با توجه به شایستگی هایی که مهندس دهدشتی از خود نشان داده بود، مقرر می شود که ایشان زیر نظر خانم مریم سعیدی اولین مسئول مرکز، به این مهم بپردازد.

مهندس دهدشتی در این مرکز، نقش بسزایی در تهیه نسخه های خطی و مدارک و اسناد ایفا می کند و به کمک آقایان مهندس والا و مصدق کارمندان وقت اداره انتشارات مستقر در دانشکده کشاورزی، در تهیه نسخه های زیراکس از مدارک اقدام می کند.

سال ۱۳۵۵، مهندس دهدشتی به دلیل شرکت در مجالس مذهبی و ارتباط با روحانیان و انقلابیان چه در اهواز و چه در قم و تهران، به اداره ساواک اهواز احضار و مورد بازجویی قرار می گیرد.

در تابستان ۱۳۵۶ بنا به پافشاری دکتر عباس جامعی، رئیس وقت دانشگاه، ادارات مرکزی از جمله دفتر ریاست دانشگاه از ساختمان سه گوش به بلوک های چهارگانه (سازمان مرکزی کنونی) که به شکل نیمه ساز و فاقد برق و دیوار کشی بود، منتقل می شود و اینگونه محل کار مهندس دهدشتی به دانشکده کشاورزی نزدیک می گردد.

به محض اطلاع دکتر جامعی از دانشجو بودن مهندس دهدشتی، نظر به نیاز گروه نوپای خاکشناسی، ایشان به دانشکده منتقل می گردد و مهندس دهدشتی این فرصت را پیدا می کند تا در کنار انجام کارهای اداری، در ارائه دروس عملی و عملیات کشاورزی بلکه نظری، به استادان گروه یادشده، کمک کند و در تهیه و تدوین جزوات درسی موثر باشد.

در حین انجام وظایف شغلی و علمی، مشارکت ایشان در امور فرهنگی مانند ایراد سخنرانی در مساجد، تشکیل کلاس های عقیدتی در مناطق محروم اهواز، چاپ و توزیع نوشتارهای انقلابی و روشنگر و ارتباط با افرادی از گروه منصورون و شخصیت های انقلابی در اهواز، بخشی از فعالیت اجتماعی مهندس دهدشتی در برهه منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی است.

پس از پیروزی انقلاب و در ادامه فعالیت های فرهنگی، وی به انجام سخنرانی و تدریس در دبیرستان های اهواز از جمله نظام وفا و پروین اعتصامی ادامه می دهد.

با شروع جنگ تحمیلی و پناه بردن مهاجران جنگ از شهرهای جنگزده خوزستان به شهر رامهرمز و بحرانی شدن وضع داخلی این شهر، مهندس دهدشتی به عنوان شهردار منصوب می گردد و با کوشش های شبانه روزی و راهبری

دیگر نهادها و ادارات، به اوضاع این شهر و رسیدگی به وضع حدود چهارصد هزار مهاجران جنگی سامان می‌دهد. تهیه مواد غذایی و ساختن شهرک حرّ در جایزانه برای اسکان جنگزدگان و ساخت امور زیربنایی در شهر رامهرمز از اقدامات وی به شمار می‌آید.

با توجه به نیاز دانشگاه به مهندس دهدشتی برای فراهم آوردن مقدمات بازگشایی دانشگاه، ایشان در شهریور ماه سال ۱۳۶۰ به دانشگاه بازمی‌گردد و چندی بعد، به عنوان مدیر خدمات و تدارکات دانشگاه، مأمور سامان دادن و فراهم کردن دانشکده‌ها برای بازگشایی می‌شود. وی در این اداره، به کمک مجید امیرزاده و رمضانعلی خرمایی و مهندس هیبت‌الله هادی قنوت و هوشنگ طباطبایی تعمیرکار اداره تاسیسات، موفق به بازسازی دانشکده‌هایی که در اختیار رزمندگان بود و پس گرفتن و تعمیر وسایل نقلیه متعلق به دانشگاه از سپاه پاسداران، مقدمات بازگشایی دانشگاه را در مهر ۱۳۶۱ فراهم می‌کنند. در همین راستا، شورای برنامه‌ریزی با هدف آماده کردن دانشگاه برای بازگشایی متشکل از روسای دانشکده‌ها زیر نظر ایشان تشکیل می‌گردد. لازم به توضیح است که به جز دانشکده پزشکی و کشاورزی و بیمارستان‌ها، کلیه دانشکده‌ها و کتابخانه مرکزی و مهمانسرای دانشگاه و پنج دستگاه منزل در کوی استادان در این برهه در اختیار نیروهای نظامی و جنگ قرار داشت. دانشکده کشاورزی نیز در زمان حمله، به عنوان نقاهتگاه مورد استفاده قرار می‌گرفت.

از دیگر فعالیت مهندس دهدشتی در دوره تصدی مدیریت خدمات و تدارکات دانشگاه، دفاع از حقوق دانشگاه در برابر ادعاهای مالی شرکت شعله خاور و اختصاص ده پلاک زمین در خیابان دهم غربی کیانپارس برای استادان دانشگاه بود.

در خرداد ۱۳۶۱ مهندس دهدشتی به دانشکده کشاورزی و گروه خاکشناسی می‌رود و اداره خدمات و تدارکات به علیرضا قبیتی سپرده می‌شود. وی با همکاری مرحوم دکتر بهزاد و دکتر آخوندعلی شورای دانشکده کشاورزی را تشکیل می‌دهند و مقدمات بازگشایی این دانشکده را فراهم می‌کنند. در این برهه، مهندس دهدشتی به تدریس دروس عملی و نظری و آزمایشگاهی می‌پردازد. وی از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۱ بطور فشرده و با هفته‌ای ۳۵ ساعت تدریس بدون دریافت حق التدریس، کمبود اعضای هیات علمی در دانشکده را جبران می‌کند.

در سال ۱۳۷۰ با کوشش‌های وی، مرکز کامپیوتر دانشکده کشاورزی راه اندازی می‌شود.

متأسفانه مدیریت وقت دانشگاه، نه تنها از ایشان بابت کوشش‌های پیگیرانه و تدریس‌های فشرده، قدردانی و قدرشناسی نمی‌کند بلکه با طرح برخی تنگناهای اداری، موجب می‌شود تا ایشان تصمیم به ترک دانشگاه کند ولی درخواست وی با مخالفت وزارت علوم روبرو می‌شود.

در باره نحوه ادامه تحصیل، مهندس دهدشتی خود می‌گوید:

"بنا به رسم معهود دانشگاه اهواز که کارشناسان آموزشی معمولاً بعد از دو سال کار برای ادامه تحصیل به خارج از کشور اعزام می‌شدند می‌بایست اینجانب نیز مشمول دریافت بورس تحصیلی می‌شدم که در سال ۶۲ از طریق وزارت

علوم مجددا راه اندازی شده بود و حتا با توجه به معرفی کارشناسان آموزشی به دانشگاه تربیت مدرس که در سال ۶۲ یا ۶۳ راه اندازی شده بود، در هر دو مورد، در مرحله تأیید صلاحیت نام اینجانب در لیست پذیرفته شدگان قرار نگرفت ولی در سال ۷۲ خود در کنکور کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس قبول شدم ولی بعللی پس از یک ترم مجبور به ترک تحصیل شدم. در سال ۷۱ با توجه به سوابق آموزشی و تدریس دروس نظری و عملی به عضویت هیئت علمی در آادم و در مرتبه مربی آموزشیار قرار گرفتم."

ایشان، در کنار انجام وظایف آموزشی، از سال ۱۳۶۶ به بعد با تاسیس شرکت و با سرمایه گذاری شخصی اقدام به راه اندازی طرح پرورش ماهی در روستای خنجر از توابع منطقه رامین اهواز می کند و منشا رونق اقتصادی و فرهنگی در این منطقه می شود چنانچه اهالی آن روستا تا کنون خاطرات کوشش های وی را ارج می گذارند. این طرح به عنوان یک طرح نمونه شناخته شد.

در سال ۱۳۷۲ نیز با تاسیس شرکت پیوند شیمی به تهیه و فروش لوازم آزمایشگاهی اقدام می کند و همچنین از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ در قالب یک شرکت تامین نیروی انسانی با شرکت مخابرات خوزستان همکاری می کند و منشا ایجاد تحول در امر بهره وری انسانی و صرفه جویی مالی در این شرکت می شود.

مدیریت علمی و سلامت اقتصادی و جدیت در انجام بهینه وظایف را می توان از صفات شغلی وی برشمرد.

مهندس دهدشتی بالاخره در سال ۱۳۸۳ با مرتبه مربی آموزشیار از دانشگاه شهید چمران اهواز بازنشسته می شود و از آن موقع با جدیت بیشتری به شعر و هنر و ادبیات که سخت مورد علاقه ایشان بود روی می آورد. انتشار دو دیوان شعر و تهیه هفده دفتر شعر که نزدیک به ۴۰۰۰ صفحه است حاصل مطالعات و شعر سرایی وی است.

ایشان دارای دو فرزند است و همسر وی با نام خانم مرضیه معافی در سراسر این مدت پر فراز و نشیب، یار و همراه وی بوده است.